

## ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی

هدی زبیری \*

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۴

چکیده:

از منظر رویکرد نهادگرا، محیط نهادی که اقتصاد را شکل می‌دهد، تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی هستند و بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور نقش کلیدی دارند. این مقاله به بررسی اثر محیط سیاسی به عنوان یکی از ابعاد چارچوب نهادی کشورها بر فعالیتهای کارآفرینانه می‌پردازد. ریسک سیاسی اثر منفی بر شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن محیط کلان اقتصادی و اجتماعی، نرخ سرمایه‌گذاری، مدت زمان روی کار ماندن سیاست‌گذار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد که مجموع این عوامل مانع رشد خلاقیت، کارآفرینی و تصمیمات بلند مدت سرمایه‌گذاری می‌شوند. در پژوهش حاضر اثر شاخص ریسک سیاسی بر توسعه کارآفرینی (به تفکیک فرصت‌های کارآفرینی<sup>۱</sup> و ضرورت کارآفرینی<sup>۲</sup>) در ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵ با استفاده از روش پانل دیتا بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ریسک سیاسی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است.

طبقه‌بندی JEL: O14، O17، O31

واژه‌های کلیدی: ریسک سیاسی، نهادها، ضرورت کارآفرینی، فرصت کارآفرینی

(h.zobeiri@umz.ac.ir)

\* استادیار اقتصاد دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

<sup>1</sup> Entrepreneurship Opportunity

<sup>2</sup> Entrepreneurship Necessity

<sup>۳</sup> منظور از فرصت کارآفرینی فراهم بودن فرصت‌های مناسب کسب و کارهای نوآورانه و منظور از ضرورت کارآفرینی شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر است.

## ۱- مقدمه

اهمیت کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی در ادبیات اقتصادی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است (شومپیتر<sup>۴</sup> ۱۹۳۴، آکس و آدرش<sup>۵</sup> ۱۹۸۸، بامول<sup>۶</sup> ۲۰۰۲). شومپیتر (۲۰۰۵) توسعه را تغییرات ناپیوسته اساسی<sup>۷</sup> می‌داند که به علت ظهور پدیده نوآورانه<sup>۸</sup> ایجاد می‌شود. به عقیده وی، توسعه، تخریب و برهم زدن یک شرایط باثبات و تعادل ایستا<sup>۹</sup> است، که منجر به تعادلی نامعین<sup>۱۰</sup> در آینده می‌شود، در حالی که رشد تغییرات تدریجی است. به عقیده شومپیتر، کارآفرین<sup>۱۱</sup> منشاء اصلی تغییرات ناپیوسته (توسعه) بشمار می‌رود.

زمینه نهادی و سطح توسعه کشورها، تعیین‌کننده تفاوت پویایی کارآفرینی در اقتصادهاست. محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین توسعه اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود. نهادها تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی مبادلات اقتصادی هستند و می‌توانند آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان بگذارند (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷). مطالعات متعددی در سال‌های اخیر از قبیل لتافیا و پیرامید<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۶)، آپاریکو و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۵)، اربانو و الوارز<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۴)، تورنتن و همکاران<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۱) تأثیرپذیری کارآفرینی از عوامل نهادی را مورد تأیید قرار داده‌اند.

محیط سیاسی به عنوان یکی از ابعاد چارچوب نهادی جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. ثبات سیاسی، موجب کاهش

---

<sup>4</sup>Schumpeter

<sup>5</sup> Acs and Audretsch

<sup>6</sup> Baumol

<sup>7</sup>Fundamental Discontinious Change

<sup>8</sup>Novel Phenamena

<sup>9</sup>Static Equilibrium

<sup>10</sup> Indeterminate Equilibrium

<sup>11</sup> Entrepreneur

<sup>12</sup> Letaifa & Primard

<sup>13</sup> Aparicio, *et al.*

<sup>14</sup> Urbano & Alvarez

<sup>15</sup> Thornton, *et al.*

ریسک، کاهش نااطمینانی، افزایش اعتماد، گسترش ارتباطات و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی، خلق نهادهای کارآمد، افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد و در نتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، جهش‌های اقتصادی را ممکن می‌سازد. در مقابل، بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی بر قابل پیش‌بینی بودن محیط سیاسی، نرخ سرمایه‌گذاری، مدت زمان روی کار ماندن سیاست‌گذار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد. همچنین، بی‌ثباتی سیاسی باعث می‌شود تغییر ساختار قدرت با فرصت‌های انتقال ثروت همراه شود. علاوه بر این، دولت بی‌ثبات نمی‌تواند تعهدات سیاستی خود را در مسیر افزایش پس‌اندازها جامه عمل بپوشاند و در نتیجه به عملکرد بازارهای مالی آسیب می‌زند و تخصیص منابع به کارآفرینان را مختل می‌کند. در نتیجه ریسک سیاسی منجر به کاهش ظرفیت و توان حفظ امنیت سرمایه‌گذاران در آن کشور می‌گردد. همگی این موارد منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه می‌شود (آسم اغلو و همکاران،<sup>۱۶</sup> ۲۰۰۵، دوهان و هنرکسون،<sup>۱۷</sup> ۲۰۰۷).

به دنبال درک و شناخت روزافزون از اهمیت نقش محیط سیاسی در عملکرد اقتصادی، مطالعات متعددی به آزمون تجربی اثر منفی بی‌ثباتی سیاسی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل رشد اقتصادی (آدامز<sup>۱۸</sup> ۲۰۰۹، جوانگ پین<sup>۱۹</sup> ۲۰۰۹، آيسن و ویگا<sup>۲۰</sup> ۲۰۱۰، جاوادی<sup>۲۱</sup> و همکاران ۲۰۱۴)، سرمایه‌گذاری خارجی (باسه و هفکر<sup>۲۲</sup> ۲۰۰۵، میهالا و توفیل<sup>۲۳</sup> ۲۰۱۱)، صادرات (فوسو<sup>۲۴</sup> ۲۰۰۳)، فرار سرمایه (لی

<sup>16</sup> Acemoglu, *et. al.*

<sup>17</sup> Douhan & Henrekson

<sup>18</sup> Adams

<sup>19</sup> Jong Pin

<sup>20</sup> Aisen & Veiga

<sup>21</sup> Jaouadi, *et al.*

<sup>22</sup> Busse & Hefeker

<sup>23</sup> Mihaela & Teofil

<sup>24</sup> Fosu

و زاک<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۱)، تورم (ویگا و آيسن<sup>۲۶</sup> ۲۰۰۶)، کارآفرینی (دوتا و همکاران<sup>۲۷</sup> ۲۰۱۳)، بازارهای مالی (هیکی و هیمنن<sup>۲۸</sup> ۲۰۱۵، وورتلینوس و ساها<sup>۲۹</sup> ۲۰۱۶، دویوستین و همکاران<sup>۳۰</sup> ۲۰۱۶)، قیمت نفت (چن و همکاران<sup>۳۱</sup> ۲۰۱۶)، کارایی سیاست‌های عمومی (گریچینا<sup>۳۲</sup> ۲۰۱۶)، و اقتصاد غیر رسمی (الباهناسوی و همکاران<sup>۳۳</sup> ۲۰۱۶) پرداختند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بی‌ثباتی سیاسی با توسعه کارآفرینی متمرکز می‌شود. پژوهش حاضر این ویژگی را دارد که برای اولین بار اثر شاخص "ریسک سیاسی" را بر کارآفرینی به تفکیک "فرصت‌های کارآفرینی" و "ضرورت کارآفرینی" مورد بررسی قرار می‌دهد. فرصت کارآفرینی به معنی شروع کسب و کاری جدید بر پایه شناسایی فرصت‌ها و بکارگیری نوآوری است که افراد با هدف افزایش درآمد و ارتقاء کیفیت زندگی خویش، به آن مبادرت می‌کنند. ضرورت کارآفرینی به معنای آن است که افراد به ناچار و به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر، به شروع کسب و کاری تنها به منظور کسب درآمد و تأمین حداقل استانداردهای زندگی روی می‌آورند (آنجلو-گورثو و همکاران<sup>۳۴</sup> ۲۰۱۷).

به منظور بررسی اثر ریسک سیاسی بر کارآفرینی در پژوهش حاضر از روش پانل دیتا برای ۴۵ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۵ استفاده می‌شود. این مقاله مشتمل بر ۵ بخش است. پس از این مقدمه، در بخش دوم ادبیات پژوهش (نظری و تجربی) به طور اجمالی ارائه می‌شود. سپس، بخش سوم به ارائه روش‌شناسی پژوهش و تصریح مدل اختصاص می‌یابد. پس از آن، در بخش چهارم به برآورد الگوی تحقیق و ارائه نتایج تجربی پرداخته می‌شود و در نهایت در بخش پنجم، جمع‌بندی و پیشنهادهای ارائه می‌شود.

<sup>25</sup> Le & Zak

<sup>26</sup> Veiaga & Aisen

<sup>27</sup> Dutta, *et al.*

<sup>28</sup> Heikki & Heimonen

<sup>29</sup> Vortelinos & Saha

<sup>30</sup> Duyvesteyn, *et al.*

<sup>31</sup> Chen, *et al.*

<sup>32</sup> Grechyna

<sup>33</sup> Elbahnasawy, *et al.*

<sup>34</sup> Angulo-Guerrero, *et al.*

## ۲- ادبیات تحقیق

### ۲-۱- مبانی نظری

نهادگرایی<sup>۳۵</sup> در حال حاضر یکی از مباحث مهم در علوم انسانی است و اندیشمندان گوناگون در اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه شناسی به نظریه پردازی در این زمینه مشغول هستند. هرچند میان اندیشمندان، توافقی حتی در مورد تعریف نهادها وجود ندارد و هر یک تعریفی خاص از نهاد ارائه می نمایند؛ اما نقطه مشترک میان تمام نهادگرایان - به منزله تعریفی از نهادگرایی - تأکید بر اهمیت نهادها در تحلیل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (متوسلی و همکاران ۱۳۹۰). با توجه به تعاریف متفاوتی که از مفهوم نهاد وجود دارد، بطور کلی می توان گفت؛ - نهادها قوانین بازی در جامعه و قیود وضع شده از جانب بشر هستند. - نهادها شکل دهنده و راهنمای روابط متقابل انسان ها با یکدیگر هستند. - نهادها باعث ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. - نهادها حد و مرز مجموعه انتخاب های افراد را تعیین می کنند. - نهادها یا به یکباره خلق می شوند مانند قوانین مختلف، یا به مرور شکل می گیرند، مانند هنجارها، آداب و رسوم، فرهنگ، سنت. - نهادها عامل ارتباط بین گذشته، حال و آینده هستند.

نقش عمده نهادها در جامعه این است که زمینه و ساختاری از پیش تعیین شده را ایجاد کنند که با مقید و محدود سازی رفتار عوامل انسانی و سازمانی، عدم اطمینان در تعاملات و مبادلات اقتصادی و سیاسی افراد و سازمان ها با یکدیگر، و به تبع آن هزینه مبادله را کاهش دهند. در حالی که فقدان چنین قیود نهادی، می تواند هزینه مبادلات را چنان افزایش دهد که یا بسیاری از مبادلات عملاً به انجام نرسد یا این که بسیاری از مبادلات نه به صورت داوطلبانه و مبتنی بر رضایت طرفین، بلکه بر اساس اجبار و به زیان یکی از طرفین صورت پذیرد (کوز، ۱۹۹۲، ویلیامسون، ۲۰۰۰).

چنانچه، روابط و مبادلات سیاسی و اقتصادی میان مردم در نظام اقتصادی را به مثابه یک بازی اجتماعی در نظر بگیریم، آن گاه نقش پررنگ نهادها (رسمی و غیر رسمی) به عنوان قواعد بازی، هم در تعیین فرآیندهای حاکم بر نظام اقتصادی و هم در تعیین نتایج حاصل از نظام اقتصادی و هم در فرآیند خلق و توزیع سود میان بازیگران سیاسی و اقتصادی، روشن خواهد شد. در حقیقت، چارچوب نهادی مرز

<sup>35</sup> Institutionalism

فعالیت اقتصادی را که شاکله‌های اقتصادی<sup>۳۶</sup> در آن کار می‌کنند، مشخص می‌کند و به این ترتیب کنش متقابل قوانین بازی و رفتار کنش‌گران صحنه فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند. مقایسه چارچوب نهادی کشورهایی نظیر ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان و ژاپن با کشورهای جهان سوم، یا با چارچوب نهادی کشورهای صنعتی پیشرفته در گذشته‌ای دور، نشان می‌دهد که این چارچوب‌ها در موفقیت نسبی اقتصادها، چه از لحاظ مقطعی و چه از لحاظ سیر زمانی، نقشی سرنوشت ساز داشته‌اند (نورث و همکاران<sup>۳۷</sup> ۲۰۰۹).

بدین ترتیب، نهادها و ساختار انگیزشی که حاصل نهادهای جامعه هستند، عامل اصلی مسیر توسعه اقتصادی کشورها می‌باشند. در واقع، اگر چارچوب نهادی یک کشور، تولید و نوآوری را تشویق کنند، مسیر کارآفرینی و در نتیجه رشد اقتصادی را هموار می‌نماید. اگر فعالیت‌های با بهره‌وری فزاینده، بالاترین منفعت را داشته باشند، آنگاه اقتصاد رشد می‌کند (نورث ۲۰۰۵).

ثبات سیاسی و به تبع آن چارچوب نهادی کارآمد تضمین می‌کند افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک) برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را داشته باشند، به قوانین موجود احترام بگذارند، از امکانات جامعه استفاده کنند و در مقابل، توانایی‌های خویش را بر اساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی و پرورش داده و در اختیار جامعه قرار دهند، که به نوبه خود توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را به بار می‌آورد (گاردنر<sup>۳۸</sup> ۲۰۰۵). در چنین فضایی، زمینه‌های مساعد برای پذیرش اندیشه‌های نو و بکارگیری و آزمون آن‌ها، پذیرش تفکر علمی، توجه بیش‌تر به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حول محور بهره‌وری و کارایی فراهم می‌شود. تمام معیارهای مذکور همراهی مثبت با رشد و توسعه کارآفرینی در جامعه دارند (نورث، ۲۰۰۵).

به عقیده بامول (۱۹۹۰)، نهادها همانند ساختارهایی اهمیت دارند که انگیزش‌های مربوط به انواع مختلف فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کنند. در یک محیط نهادی که منافع و پاداش‌ها برای فعالیت‌های رانت جوینان، بیشتر از هزینه‌های آن‌ها است، کارآفرینی نابره‌ور<sup>۳۹</sup> (نامولد) پدید خواهد آمد. کارآفرینی

<sup>36</sup> Economic Bodies

<sup>37</sup> North, *et al.*

<sup>38</sup> Gardner

<sup>39</sup> Unproductive Entrepreneurship

نامولد، به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که به کارآفرین منفعت می‌رساند، ولی برای کل اقتصاد منفعی ندارد.<sup>۴۰</sup> به طور مشابه، اگر منافع مشغول شدن در فعالیت کارآفرینی غیرقانونی، بیشتر از هزینه‌های آن باشد، کارآفرینان بیشتر به کارآفرینی مخرب<sup>۴۱</sup> گرایش خواهند داشت. کارآفرینی مخرب، به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که محل توسعه اقتصادی است.<sup>۴۲</sup> برعکس، اگر انگیزه‌ها به سوی کارآفرینی بهره‌ور<sup>۴۳</sup> (مولد) گرایش داشته باشند، یعنی کارآفرینی که اثر مثبت بر رشد دارد، آن‌گاه این شکل کارآفرینی، اولویت خواهد داشت. در هر مورد، کارآفرینان به انگیزه‌های موجود در محیط شان، هم در شکل مقررات (به تعبیر نورث، قواعد رسمی) و هم بر حسب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غالب (قواعد غیررسمی) اهمیت می‌دهند. این بدان معنا نیست که یک فرد واحد، بسته به ساختار انگیزشی، در کارآفرینی بهره‌ور، نامولد یا مخرب به فعالیت مشغول می‌شود، بلکه بدان معناست که افراد مختلف در ساختارهای انگیزشی مختلف، فعالیت‌های کارآفرینانه را شروع می‌کنند. از تحلیل بامول چنین برداشت می‌شود که مناطق یا کشورهای با نهادهای بهتر، کارآفرینی مولد بیشتری دارند (پاداش و نیکونسبتی ۱۳۸۷). هنگامی که نهادهای حقوق مالکیت، سیستم قضایی، قوانین مرتبط با اجرای قراردادهای و اعمال محدودیت بر قدرت دخل و تصرف دولت در انتقال ثروت بصورت کارآمد باشند، سودآوری کارآفرینی غیرمولد کاهش می‌یابد و در این شرایط افراد خلاق به سمت ایجاد نوآوری و خلق ثروت از طریق کارآفرینی گرایش پیدا می‌کنند. بر این اساس تفاوت میزان کارآفرینی بخش خصوصی در کشورهای مختلف تا حدی ناشی از تفاوت در انگیزه کارآفرینان است که خود برآمده از کیفیت نهادهای سیاسی و حقوقی غالب در جامعه و کانال‌های دریافت پاداش و سودآوری در جامعه است (دوتا و همکاران ۲۰۱۳).

بر اساس رویکرد نهادگرایان، در کشورهایی که با ضعف نهادی مواجه هستند، سود انتظاری اقدامات فرصت‌طلبانه بالاست. در نتیجه، هر یک از گروه‌های متفاوت اجتماعی به دنبال حداکثر کردن منافع خود بر می‌آید. به ویژه هنگامی که اقتصاد با یک بحران و یا شوک خارجی مواجه شود، گروه‌های اجتماعی متفاوت با یکدیگر

<sup>۴۰</sup> مانند شرکت‌های تاسیس شده برای تدوین و چاپ پایان‌نامه‌های دانشگاهی

<sup>۴۱</sup> Destructive Entrepreneurship

<sup>۴۲</sup> مانند تشکلات مرتبط با تولید و پخش مواد مخدر

<sup>۴۳</sup> Productive Entrepreneurship

می‌جنگند تا سهم قبلی خود را حفظ کنند (رودریک، ۱۹۹۹). به عبارت دیگر، در چنین جوامعی، هر یک از گروه‌ها به دنبال کسب منافع متضاد خود از طریق سیاست‌ها و نهادهای عمومی هستند. در نتیجه، دولت‌ها در اتخاذ تصمیمات دارای محدودیت‌های بیش‌تر و بزرگ‌تری نسبت به جوامع کارای نهادی هستند. رفتارهای رانت‌جویانه بیش‌تر غالب می‌شود. هزینه‌های معاملاتی افزایش می‌یابد. تضادها و تعارضات تشدید می‌شود و پیوندهای اجتماعی تضعیف می‌گردد، که همگی منجر به بروز و تشدید بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. همچنین، بی‌ثباتی سیاسی باعث می‌شود تغییر ساختار قدرت با فرصت‌های انتقال ثروت همراه شود. علاوه بر این، دولت بی‌ثبات نمی‌تواند تعهدات سیاستی خود را در مسیر افزایش پس‌اندازها جامه عمل بپوشاند و در نتیجه به عملکرد بازارهای مالی آسیب می‌زند و تخصیص منابع به کارآفرینان را مختل می‌کند. در نتیجه ریسک سیاسی منجر به کاهش ظرفیت و توان حفظ امنیت سرمایه‌گذاران در آن کشور می‌شود. همگی این موارد منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه می‌شود (آسم‌اغلو و همکاران ۲۰۰۵، دوهان و هنرکسون، ۲۰۰۷).

کارآفرین در حقیقت یک کنش‌گر است. کنش‌های هدفمند و ارادی کارآفرین بر مبنای تفکر و منطق که خود مبتنی بر مدل‌های ذهنی شکل گرفته در فرد هستند، انجام می‌شود. فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب‌های کارآفرین با توجه به شرایط و حدهای موجود در جامعه، محدود می‌شود. پس یک الگوی پیشینی<sup>۴۴</sup> (نقشه راه) برای افراد ایجاد می‌شود که در واقع نوعی گزاره پیشین<sup>۴۵</sup> است (متوسلی و زبیری ۱۳۹۴). در حقیقت، تصمیم‌گیری و انتخاب‌های افراد در جامعه متأثر از جنبه‌های ذهنی و روانی انسان - به عنوان موجودی برخوردار از آگاهی و تفکر - و نیز تعاملات میان انسان‌ها - به عنوان شبکه‌ای از روابط پویا و وابسته به زمان و مکان - و همچنین کنش‌های فردی و گروهی انسان - به عنوان پدیده‌هایی برخاسته از فرایند معنابخشی انسان و در عین حال متأثر از فرهنگ و مسیر تاریخی جوامع انسانی - است (متوسلی و زبیری ۱۳۹۴).

<sup>44</sup> Prescience

<sup>45</sup> Apriori



بوتکه و کوین<sup>۴۶</sup> (۲۰۰۳) معتقدند چون کارآفرینی حاصل رفتار و انتخاب انسان‌هاست بنابراین، کارآفرینی نمی‌تواند عامل توسعه باشد. بلکه برای تحقق توسعه، نهادهای معینی باید وجود داشته باشند تا از افراد رفتارهای کارآفرینانه تراوش کند. تغییرات نهادی از دید نورث، عامل اصلی تحولات کارآفرینانه است. نهادها قواعد بازی هستند که فرصت‌هایی را برای سازمان‌های کارآفرین ایجاد می‌کنند؛ سازمان‌ها تبلور فرصت‌های حاصل از نهادها هستند (نورث ۲۰۰۰). عاملان تغییر، کارآفرینان هستند؛ آنها به محرک‌های نهادی در جامعه واکنش نشان می‌دهند. با این حال، آنها به منظور تغییر نهادها نیز تلاش می‌کنند. با این‌که منشأ تغییرات، در کوتاه مدت، تغییر در قیمت‌های نسبی است و تغییرات قیمت‌های نسبی، انگیزه‌های کارآفرینانه افراد را تغییر می‌دهد، اما شدت تغییرات در پاسخ به قیمت‌های نسبی، به کیفیت نهادی وابسته است (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷). بایلند و مک کافری<sup>۴۷</sup> (۲۰۱۵) می‌نویسند عواملی از قبیل ریسک سیاسی که برآمده از نهادهای سیاسی جامعه است یکی از مهمترین عوامل سیاسی است که بر فعالیت کارآفرینی اثر می‌گذارد. زیرا کارآفرینی فعالیتی است که در طول زمان انجام می‌شود و لذا پیش‌بینی کارآفرین نسبت به شرایط آینده برای تصمیم به انجام فعالیت کارآفرینانه و سرمایه‌گذاری غیرقابل برگشت (از قبیل تولید محصول جدید یا بکارگیری تکنولوژی جدید) از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در حالی که ریسک سیاسی اثر منفی بر قابل پیش‌بینی بودن محیط سیاسی و فضای کسب و کار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد. بر این اساس ریسک سیاسی می‌تواند موجب تردید در اقدام به راه‌اندازی یا گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه گردد.

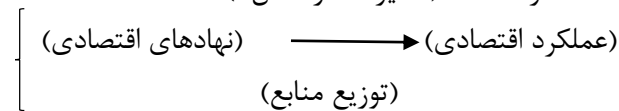
دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷) با استفاده از مدل آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) و بسط آن به ارائه چارچوب نظری رابطه میان نهادهای اقتصادی سیاسی با کارآفرینی پرداختند. آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه خود با تفکیک نهادهای سیاسی و اقتصادی به بررسی نقش نهادها به عنوان قواعد بازی در جامعه و شکل دهنده تعاملات انسانی و در نهایت عملکرد اقتصادی پرداختند. البته ایشان تأکید می‌کنند که تفکیک قدرت سیاسی و نهادهای سیاسی از نهادهای اقتصادی در کشورهایی که نخبگان از قدرت‌های غیردموکراتیک برخوردارند، بسیار دشوار است. اما در کشورهای

<sup>46</sup> Boettke & Coyne

<sup>47</sup> Bylund & McCaffrey

دموکراتیک، دینفعان اقتصادی<sup>۴۸</sup> (بازیگران اقتصادی) توانایی محدودی در تغییر مستقیم نهادهای اقتصادی دارند. البته این به معنای نفی این واقعیت نیست که حتی در کشورهای دموکراتیک نیز بازارهای سیاسی وجود دارند. همانگونه که استیگلر<sup>۴۹</sup> (۱۹۷۱) گفته است سیاست‌گذاری‌ها به شدت تحت تأثیر منافع گروه‌های لابی‌گر قرار دارند. از طرف دیگر، چنانچه نهادهای سیاسی و اقتصادی را از یکدیگر تفکیک نکنیم، در واقع تحلیل خود را محدود به نهادهای رسمی کرده‌ایم. در حالی که نهادهای غیر رسمی از قبیل نُرْم‌ها، ارزش‌ها و قواعد رفتاری<sup>۵۰</sup> نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها دارند. ضمن این که نهادهای غیر رسمی و تأثیرگذار، به تدریج در طول زمان شکل گرفته‌اند و اغلب به سختی قابل تغییر هستند. به عقیده آپاریکو و همکاران (۲۰۱۵) نهادهای غیر رسمی از قبیل "درک مردم از سیاست‌ها و مقررات اجرا شده توسط دولت‌ها"<sup>۵۱</sup> اثرات بیشتری نسبت به نهادهای رسمی بر فعالیت‌های کارآفرینی دارند.

طبق آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) نهادهای اقتصادی برای رشد اقتصادی مهم هستند زیرا انگیزه‌های بازیگران اصلی اقتصادی در جامعه را شکل می‌دهند. به طور ویژه، این نهادها بر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و فناوری اثر می‌گذارند. نهادهای اقتصادی نه تنها توان بالقوه برای رشد اقتصادی را تعیین می‌کنند، بلکه با توزیع متفاوت منافع در بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه نیز ارتباط دارند. آسم اغلو این ایده را همان‌گونه که در شکل (۱) مشاهده می‌شود بصورت زیر خلاصه کرده است (مسیر B در شکل ۱):



آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) می‌نویسند علی‌رغم آن که عوامل مختلفی در شکل‌گیری نهادها نقش دارند، در نهایت، نهادهای اقتصادی حاصل انتخاب‌های جمعی جامعه هستند و به سبب تأثیری که بر توزیع منافع اقتصادی دارند، همه افراد و گروه‌ها عموماً مجموعه مشابهی از نهادها را ترجیح نمی‌دهند. این مسأله منجر به

<sup>48</sup> Economic Interests

<sup>49</sup> Stigler

<sup>50</sup> Code of Conduct

<sup>51</sup> Perceptions of The Policies and Regulations Implemented by Governments

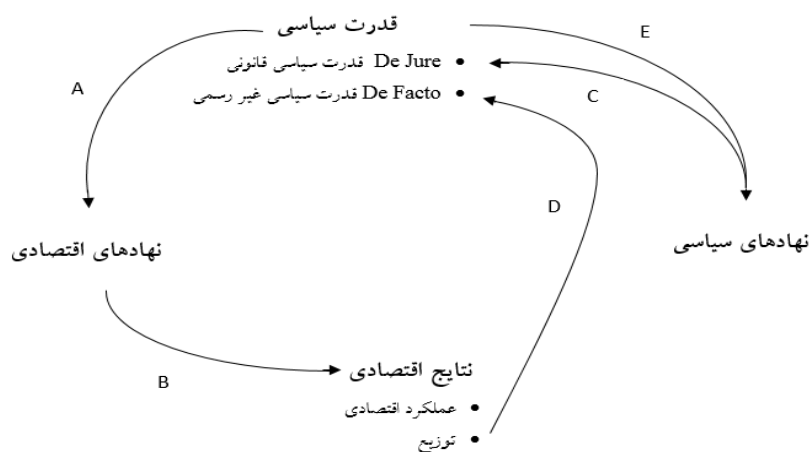
تعارض منافع در بین افراد و گروه‌های مختلف بر سر انتخاب نهادهای اقتصادی می‌شود و قدرت سیاسی گروه‌های مختلف در این خصوص تعیین کننده خواهد بود. هر گروهی که قدرت سیاسی بیشتر داشته باشد می‌تواند حفظ و تداوم نهادهای اقتصادی که ترجیح می‌دهد را برقرار کند (مسیر A در شکل ۱):

(قدرت سیاسی) → (نهادهای اقتصادی)

مطابق شکل (۱) می‌توان نتیجه گرفت که چون نهادهای اقتصادی تعیین کننده توزیع منابع هستند و قدرت سیاسی تعیین کننده نهادهای اقتصادی است پس بطور غیر مستقیم قدرت سیاسی تعیین کننده توزیع منابع است.

آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) قدرت سیاسی را به دو نوع تقسیم بندی می‌کنند؛ قدرت سیاسی قانونی<sup>۵۲</sup> و قدرت سیاسی غیررسمی<sup>۵۳</sup> (شکل ۱). قدرت سیاسی قانونی برآمده از نهادهای سیاسی است (مسیر C در شکل ۱)، در حالی که قدرت سیاسی غیر رسمی بدون اتکا به نهادهای سیاسی کسب می‌شود به عنوان مثال قدرت سیاسی‌ای که در پی یک کودتا و تحولات انقلابی بدست می‌آید اغلب از نوع قدرت سیاسی غیررسمی است. نکته مهم این است که قدرت سیاسی غیررسمی بر پایه دسترسی به منابع امکان پذیر است (مسیر D در شکل ۱).

شکل ۱: چارچوب تحلیل رابطه میان نهادهای سیاسی و اقتصادی و نتایج اقتصادی



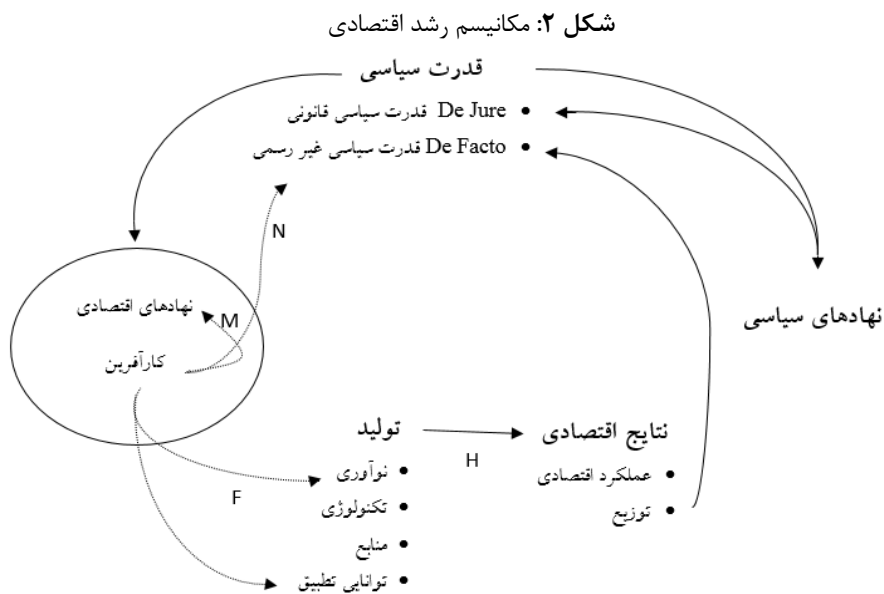
مأخذ: آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵)

<sup>52</sup> De Jure

<sup>53</sup> De Facto

بدین ترتیب، نهادهای سیاسی و توزیع منابع در چارچوب تحلیلی فوق دو متغیر کلیدی هستند که بر چگونگی توزیع قدرت سیاسی و گزینش نهادهای اقتصادی اثر می‌گذارند. نهادهای سیاسی، قدرت رسمی سیاسی را تخصیص می‌دهند و دارندگان قدرت سیاسی بر تکامل نهادهای سیاسی اثر می‌گذارند (مسیر E در شکل ۱) و عمدتاً مستعد حفظ نهادهای سیاسی هستند که به آن‌ها قدرت سیاسی می‌دهد. همین امر مکانیسم اصلی دوام نهادی را ایجاد می‌کند. سازو کار دیگر تداوم از توزیع منابع ناشی می‌شود؛ هنگامی که یک گروه مشخص در مقایسه با گروه‌های دیگر ثروتمندتر است، این امر قدرت عملی سیاسی آن را بالاتر برده و آن گروه را قادر می‌سازد که در جهت منافعشان بر نهادهای اقتصادی و سیاسی فشار آورند که این امر نیز به بازتولید شرایط نابرابر اولیه منجر می‌شود. آسم اغلو و همکاران (۲۰۰۵) علی‌رغم تحلیل تمایل به پایداری در این چارچوب، بر امکان بالقوه برای تغییر نیز تاکید می‌کنند. به عنوان مثال شوک‌هایی که با تغییرات در فناوری و محیط جهانی به تعادل سیستم وارد می‌شود امکان بالقوه‌ای برای ایجاد تغییر در نهادهای سیاسی و به تبع آن نهادهای اقتصادی فراهم می‌آورد.

دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷) با افزودن سیستم تولید و کارآفرینی به بسط چارچوب تحلیلی آسم اغلو و همکاران پرداختند که در شکل ۲ مشاهده می‌شود.



مأخذ: دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷)

در مدل دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷)، کارآفرینان هستند که نتایج اقتصادی را به بار می‌آورند و بر این اساس رابطه علی از کارآفرینان به نتایج اقتصادی از کانال تولید ترسیم شده است. در این مدل، دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷) فرض کرده‌اند نتایج اقتصادی مستقیماً و تنها ناشی از عملکرد کارآفرینان است و به همین علت رابطه علی در شکل (۲) از کارآفرین به تولید و نتایج اقتصادی ترسیم شده است. همچنین پویایی سیستم تولید با افزودن نوآوری (تکنولوژی - منابع) و توانایی تطبیق در مدل گنجانده شده است.

در این مدل، کارآفرین مولد کسی است که ظرفیت‌های خود (سرمایه‌های انسانی و فیزیکی و مالی) را به منظور ایجاد نوآوری و خلق ثروت از طریق کارآفرینی بکار می‌گیرد و از مسیر تولید به نتایج اقتصادی می‌انجامد (مسیر F و H در شکل ۲). نکته مهم این است که درک شود هیچ تضمینی وجود ندارد که یک کارآفرین بالقوه، لزوماً وقت و تلاش خود را صرف فعالیت مولد کند بلکه کیفیت و نوع فعالیت کارآفرینان به کیفیت نهادها بستگی دارد. در یک محیط نهادی که منافع و پاداش‌ها برای فعالیت‌های رانت جوینان، بیشتر از هزینه‌های آن‌ها باشد، کارآفرینان به سمت فعالیت‌های کارآفرینی نامولد و مخرب گرایش خواهند داشت. بنابراین نهادهای اقتصادی تعیین‌کننده توزیع فعالیت‌های کارآفرینی به مولد یا غیرمولد و مخرب هستند. کارآفرینی نامولد و مخرب از دو مسیر نهادهای اقتصادی و قدرت سیاسی غیر رسمی به تداوم این چرخه منجر می‌شوند. زیرا برخی از فعالیت‌های کارآفرینی نامولد و مخرب از مجرای قدرت سیاسی غیر رسمی و برخی دیگر از مجرای نهادهای اقتصادی امکان فعالیت می‌یابند. (مسیر M و N در شکل ۲). لازم به ذکر است در مدل فوق بسیاری از عوامل از قبیل نقش دانش علمی جدید، اختراعات و دارایی‌ها نادیده گرفته شده و برای سادگی این عوامل بصورت برون‌زا در نظر گرفته شده است.

## ۲-۲- پیشینه تجربی

با توجه به آن که هدف از این تحقیق بررسی ریسک سیاسی بر کارآفرینی با تأکید بر ساختار نهادی است، در این بخش به مرور اجمالی آن دسته از مطالعات تجربی پرداخته می‌شود که کارآفرینی را از کانال متغیرهای نهادی مورد بررسی قرار داده‌اند. بوتکه و کوین (۲۰۰۳) معتقدند کارآفرینی حاصل رفتار و انتخاب انسان‌هاست بنابراین، کارآفرینی نمی‌تواند عامل توسعه باشد. بلکه برای تحقق توسعه، نهادهای

معینی باید وجود داشته باشند تا از افراد رفتارهای کارآفرینانه تراوش کند. ایشان در ادامه مطالعه خود مهم‌ترین نهادهای لازم برای رشد کارآفرینی در جوامع را حقوق مالیکت خصوصی<sup>۵۴</sup> و حاکمیت قانون<sup>۵۵</sup> بر می‌شمارند. هال و سوبل<sup>۵۶</sup> (۲۰۰۶) به تحلیل چارچوب فرآیند کارآفرینی و اهمیت نهادها در این فرآیند پرداختند و در این راستا رابطه متغیرهای نهادی از قبیل حقوق مالکیت، قوانین مالیاتی و کیفیت مقررات را با کارآفرینی در کشورهای OECD در سال‌ها ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج این تحقیق، افزایش کیفیت نهادها همبستگی مثبت با رشد و گسترش کارآفرینی در جامعه دارد. سوبل (۲۰۰۸) به آزمون نظریه بامول و بررسی رابطه کیفیت نهادهای سیاسی و حقوقی با فعالیت‌های کارآفرینی مولد و غیرمولد در ۴۸ ایالت آمریکا پرداخت. برای این منظور از میانگین داده‌های سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ استفاده نمود. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد ایالت‌های با ساختار نهادی بهتر از نرخ بالاتری در سرمایه‌گذاری سرانه (سرمایه‌گذاری‌های مخاطره آمیز<sup>۵۷</sup>)، نرخ بالاتر سرانه اختراعات ثبت شده<sup>۵۸</sup>، رشد سریع‌تر مالکیت‌های انحصاری<sup>۵۹</sup>، و نرخ بالاتر ثبت کار جدید<sup>۶۰</sup> برخوردارند. همچنین نتایج نشان می‌دهند ایالت‌های با بدترین نهادها دارای بیشترین فعالیت‌های رانت‌جویانه و سوءمدیریت در طرح دعاوی دادگاه‌ها و کارآفرینی‌های غیرمولد هستند. دوتا و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی اثر ریسک سیاسی بر شاخص کارآفرینی در ۹ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ با استفاده از روش GMM پرداختند. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد کشورهای با ثبات سیاسی بیشتر، از نرخ‌های بالاتر کارآفرینی و خلق ثروت برخوردارند. فونتلساز<sup>۶۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اثر انواع نهادهای رسمی (حقوق مالکیت<sup>۶۲</sup>، آزادی کسب و کار<sup>۶۳</sup>،

<sup>54</sup> Private Property

<sup>55</sup> Rule of Law

<sup>56</sup> Hall & Sobel

<sup>57</sup> Venture Capital Investments Per Capita

<sup>58</sup> Patents Per Capita

<sup>59</sup> Sole Proprietorship

<sup>60</sup> Establishment Birth Rate

<sup>61</sup> Fuentelsaz, *et. al.*

<sup>62</sup> Property Rights

<sup>63</sup> Business Freedom

آزادی مالی<sup>۶۴</sup>، آزادی نیروی کار<sup>۶۵</sup>، سرمایه مالی<sup>۶۶</sup> و سرمایه آموزشی<sup>۶۷</sup> بر فرصت و ضرورت کارآفرینی در ۱۸۹ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش پانل نامتوازن پرداختند. نتایج مطالعه ایشان مشابه با مطالعه بوان و کلرک<sup>۶۸</sup> (۲۰۰۸) و لیو و آتیو<sup>۶۹</sup> (۲۰۱۱) نشان می‌دهد افزایش و بهبود نهادهای رسمی اثر مثبت بر توسعه فرصت‌های کارآفرینی در جامعه دارد. این در حالی است که بهبود نهادهای رسمی اثر منفی بر ضرورت کارآفرینی دارند. مجبوری (۲۰۱۶) به بررسی اثرات مثبت و منفی درآمدهای سرشار نفتی بر کارآفرینی با استفاده از رگرسیون پانل پویا پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی تنها در کشورهای با نهادهای ضعیف و فاسد منجر به کاهش کارآفرینی می‌شود. هر چه محیط نهادی فاسدتر، شدت این کاهش بیشتر است.

در میان مطالعات داخلی هرچند تحلیل و بررسی کارآفرینی از زوایای مختلف مورد توجه محققان داخلی قرار گرفته است (از قبیل دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۶)، کمالیان و همکاران (۱۳۸۹)، علائی (۱۳۹۰)، چراتیان و قربانی (۱۳۹۳)، اربابیان و همکاران (۱۳۹۳)، آقامحمدی و عبداللهی (۱۳۹۴) و ...) اما کمتر مطالعه‌ای به بررسی کارآفرینی از کانال نهادی پرداخته است. در این میان تنها پاداش و نیکونسبتی (۱۳۸۷) در مطالعه خود نقش نهادها را در توسعه کارآفرینی بصورت نظری مورد بررسی قرار دادند. بر مبنای نتایج مطالعه ایشان، رویکرد نهادی به کارآفرینی، دو دلالت عمده سیاستی دارد؛ نخست آنکه، محیط نهادی حوزه و گستره کارآفرینی را تعیین می‌کند. از این رو، ارزیابی سیاست‌های کارآفرینی، مستلزم ارزیابی محیط نهادی در مکانیسم‌های اثرگذاری بر کارآفرینی است. دوم آن که محیط نهادی، مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی است که تحول آن‌ها زمان‌بر است و با تغییر قواعد رسمی، لزوماً راه برای کارآفرینی هموار نمی‌شود. لذا مقاله حاضر از این جهت حائز اهمیت است که نقش نهادها بر کارآفرینی را بصورت تجربی مورد آزمون قرار

<sup>64</sup> Fiscal Freedom

<sup>65</sup> Labor Freedom

<sup>66</sup> Financial Capital

<sup>67</sup> Educational Capital

<sup>68</sup> Bowen and De Clercq

<sup>69</sup> Levie and Autio

می‌دهد. فونتلساز و همکاران (۲۰۱۵) کارآفرینی را به دو نوع فرصت کارآفرینی و ضرورت کارآفرینی تقسیم نموده و سپس اثر نهادهای رسمی را به تفکیک بر این دو مورد بررسی قرار دارند. پژوهش حاضر این ویژگی را دارد که برای اولین بار اثر نهاد غیر رسمی (ریسک سیاسی) را بر کارآفرینی به تفکیک فرصت‌های کارآفرینی و ضرورت کارآفرینی مورد بررسی قرار می‌دهد.

### ۳- روش تحقیق و داده‌ها

به منظور برآورد اثر ریسک سیاسی بر کارآفرینی بر مبنای مطالعات دوهمان و هنرکسون (۲۰۰۷) و فونتلساز و همکاران (۲۰۱۵) مدل زیر تصریح می‌شود:

$$Ent\ Opp =$$

$$f ( ProR, BusF, FisF, LabF, FinC, EduQ, PolR, GDPg, UnR, popg) + U_t \quad (۱)$$

$$Ent\ Nes =$$

$$f ( ProR, BusF, FisF, LabF, FinC, EduQ, PolR, GDPg, UnR, popg) + U_t \quad (۲)$$

که در آن  $Ent\ Opp$  فرصت کارآفرینی و  $Ent\ Nes$  ضرورت کارآفرینی است. متغیر فرصت کارآفرینی برابر با آن درصد از فعالیت‌های کارآفرینی است که عاملان آن به علت شناسایی فرصت و به قصد کسب سود اقدام به آن فعالیت کرده‌اند. متغیر ضرورت کارآفرینی برابر با آن درصد از فعالیت‌های کارآفرینی است که افراد به این علت به آن مشغول شده‌اند که چاره و انتخاب دیگری برای اشتغال نداشته‌اند. اطلاعات کارآفرینی از منبع اطلاعاتی "دیدبان جهانی کارآفرینی" (GEM) گردآوری شده‌اند.

$ProR$  حقوق مالکیت<sup>۷۱</sup>،  $BusF$  آزادی کسب و کار،  $FisF$  آزادی مالی،  $LabF$  آزادی نیروی کار،  $FinC$  سرمایه مالی،  $EduQ$  کیفیت آموزش و  $PolR$  ریسک

<sup>70</sup> Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

<sup>۷۱</sup> منظور از شاخص حقوق مالکیت؛ تضمین و حمایت از حق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی توسط سیستم قضایی در یک کشور است. منظور از شاخص آزادی کسب و کار؛ اندازه گیری توان و سهولت شروع، انجام و پایان یک کسب و کار در کشور است. منظور از شاخص آزادی مالی؛ معیاری از کارایی نظام مالی و بانکی یک کشور و استقلال این نظام از کنترل و دخالت دولتی است. منظور از شاخص آزادی نیروی؛ آزادی جابه‌جایی نیروی کار و آزادی کارفرمایان در استخدام و اخراج کارگران بسته به شرایط دارد. منظور از شاخص سرمایه مالی، سرمایه‌های است که بانک‌ها در اختیار دارند. منظور از شاخص کیفیت آموزش، میزان کیفیت آموزش در مقطع ابتدایی است.



سیاسی است. این شاخص‌ها از منبع اطلاعاتی "شاخص آزادی اقتصادی" (IEF)<sup>۷۲</sup> و "راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها" (ICRG)<sup>۷۳</sup> گردآوری شده‌اند. *GDPg* نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، *UnR* نرخ بیکاری و *popg* نرخ رشد جمعیت به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شدند. نرخ رشد تولید به عنوان متغیری که نشان‌دهنده سطح فعالیت اقتصادی کشور است وارد مدل شده است و انتظار می‌رود رابطه مثبت با سطح کارآفرینی داشته باشد. نرخ بیکاری به عنوان متغیری که مستقیماً بر شروع یک سرمایه‌گذاری جدید موثر است، وارد مدل شده است. انتظار می‌رود نرخ بیکاری اثر منفی بر فرصت کارآفرینی و اثر مثبت بر ضرورت کارآفرینی داشته باشد. زیرا در شرایطی که اقتصادی با نرخ بالای بیکاری مواجه است، انگیزه و فرصت‌های محدودتری برای کارآفرینی وجود دارد و در مقابل افراد مجبور می‌شوند به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر، به شروع کسب و کاری تنها به منظور کسب درآمد و تأمین حداقل استانداردهای زندگی روی آورند. نرخ رشد جمعیت به عنوان متغیری که بیانگر اندازه و گستره بازار و پتانسیل‌های کارآفرینی است وارد مدل شده است و انتظار می‌رود رابطه مثبت با سطح کارآفرینی داشته باشد. داده‌های لازم از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی<sup>۷۴</sup> جمع‌آوری شده‌اند.

لازم به ذکر است که از میان عوامل مؤثر بر کارآفرینی تأکید این مقاله بر متغیر توضیحی ریسک سیاسی و متغیرهای نهادی تأثیرگذار بر کارآفرینی بوده است. کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۴۵ کشور<sup>۷۵</sup> در حال توسعه و توسعه یافته هستند و بازه زمانی تحقیق نیز سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۵ می‌باشد.

---

منظور از شاخص ریسک سیاسی؛ ترکیب ۱۰ متغیر زیر است که توسط پایگاه اطلاعاتی راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها محاسبه می‌شود؛

Military in politics, Democratic accountability, Government stability, Internal conflict, External conflict, Ethnic tensions, Bureaucratic quality, regulatory quality, rule of law, corruption.

<sup>72</sup> Index of Economic Freedom (IEF)

<sup>73</sup> International Country Risk Guide (ICRG)

<sup>74</sup> World Bank

<sup>75</sup> کشورهای مورد مطالعه عبارتند از: ایران، الجزایر، آرژانتین، انگلستان، بوسنی و هرزگوین، برزیل، شیلی، چین، کرواسی، دانمارک، اکوادور، مصر، کلمبیا، استرالیا، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، گواتمالا، مجارستان، ایرلند، رژیم اشغالگر قدس، ایتالیا، جامائیکا، ژاپن، کره جنوبی، لتونی، مالزی، مکزیک، هلند، نروژ، پاناما، پرو، رومانی، روسیه، اسلونی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئیس، ترکیه، اوگاندا، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اروگوئه. مبنای انتخاب کشورها در دسترس بودن داده‌ها بوده است.

با توجه به آن چه در قسمت بعدی نشان داده شده است، بین متغیرهای نهادی فوق هم‌خطی وجود دارد. لذا ۸ تصریح مختلف برای معادله‌ی ۱ و ۸ تصریح مختلف برای معادله‌ی ۲ در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، در مجموع ۱۶ مدل کارآفرینی برآورد می‌شود که در ۸ مدل متغیر وابسته فرصت کارآفرینی است و در ۸ معادله‌ی دیگر ضرورت کارآفرینی متغیر وابسته است.

روش برآورد مدل‌های تحقیق پانل دیتا است. به منظور برآورد مدل‌های پانل، اولین گام، تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است.<sup>۷۶</sup> در این پژوهش، با توجه به آن که متغیرهای توضیحی ماهیتی نهادی - ساختاری دارند، در بسیاری از این کشورها در طول دوره زمانی مورد بررسی تغییر نکرده‌اند و یا تغییر آن‌ها بسیار اندک و جزئی بوده است، لذا مدل پانل اثرات ثابت نمی‌تواند مدل مناسبی باشد. زیرا ماهیت مدل اثرات ثابت، به گونه‌ای است که با وارد کردن متغیرهای مجازی، اثر معنادار تفاوت‌های بین گروهی که در طول زمان تغییر نمی‌کنند (مانند فرهنگ، مذهب، نژاد و مواردی از این قبیل) را در مدل لحاظ می‌کند. لذا، مدل اثر ثابت، نمی‌تواند در مواردی بکار رود که متغیر توضیحی در طول زمان ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر، از نظر تکنیکی، متغیر توضیحی ثابت در طول دوره مورد بررسی با متغیرهای مجازی در مدل اثرات ثابت دارای هم‌خطی کامل هستند. در مقابل، مزیت مدل اثرات تصادفی این است که می‌تواند اثر متغیرهای ثابت در طول زمان را بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهد (تورز - رینا، ۲۰۱۰). بنابراین، با توجه به توضیحات فوق، مدل اثرات ثابت در این پژوهش کنار گذاشته می‌شود. حال برای این که مشخص شود آیا ناهمگنی بین گروهی معنادار است و باید پانل اثرات تصادفی انتخاب شود، یا این که همگنی بین گروهی پذیرفته می‌شود و مدل تلفیقی (فرضیه عرض از مبدا‌های مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از آزمون بروش پاگان<sup>۷۷</sup> استفاده می‌شود (تورز - رینا، ۲۰۱۰).

<sup>۷۶</sup> برای مطالعه بیشتر در خصوص روش‌های برآورد و آزمون‌های آن در پانل دیتا به کتاب بالتاجی (۲۰۰۸) مراجعه کنید.

#### <sup>۷۷</sup> Breusch-Pagan

بر اساس این آزمون، ابتدا مدل اثرات تصادفی را برآورد نموده و بر اساس نتایج بدست آمده، آماره LM محاسبه می‌گردد. چنانچه احتمال محاسبه شده (prob) برای آماره LM کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، اثرات گروهی در بین کشورها در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و لذا بایستی در برآورد مدل‌ها از روش اثرات تصادفی استفاده شود. برای این منظور نرم افزار ایویوز نسخه ۹/۵ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۴- برآورد مدل و تفسیر نتایج

قبل از برآورد مدل لازم است مانایی متغیرهای مدل بررسی شود. برای بررسی مانایی متغیرهای مدل از آزمون لوین، لین و چو<sup>۷۸</sup> استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

نتیجه آزمون	P-Value	متغیر
ایستا	۰/۰۰	فرصت کارآفرینی
ایستا	۰/۰۰	ضرورت کارآفرینی
ایستا	۰/۰۰	حقوق مالکیت
ایستا	۰/۰۰	آزادی کسب و کار
ایستا	۰/۰۰	آزادی مالی
ایستا	۰/۰۰	آزادی نیروی کار
ایستا	۰/۰۰	سرمایه مالی
ایستا	۰/۰۰	کیفیت آموزش
ایستا	۰/۰۰	ریسک سیاسی
ایستا	۰/۰۰	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی
ایستا	۰/۰۰	نرخ بیکاری
مانایی	۰/۰۰	نرخ رشد جمعیت

مأخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار Eviews 9.5

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مدل در سطح معنای ۰.۵٪ مانا هستند. پس از اطمینان از مانایی متغیرهای مدل می‌توان مدل‌های تحقیق را برآورد نمود.

قبل از برآورد مدل، به دلیل اینکه امکان وجود همخطی بین متغیرهای مدل وجود دارد لذا با استفاده از تحلیل همبستگی (جدول ۲ پیوست) امکان وجود همخطی بین متغیرهای تحقیق بخصوص متغیرهای نهادی بررسی شده است که با توجه به نتایج حاصل شده و بالا بودن ضریب همبستگی بین متغیرهای نهادی، از استفاده همزمان از متغیرهای نهادی در یک مدل خودداری شده و تصریح‌های مختلفی مطابق جدول ۳ و ۴ برای متغیرهای وابسته فرصت و ضرورت کارآفرینی برآورد شده‌اند که نتایج آن در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است. چنین روشی در مقاله فونتالاساز و همکاران (۲۰۱۵) نیز استفاده شده است.

<sup>78</sup> Levin, Lin & Chu

جدول ۲: نتایج برآورد تصریح‌های مختلف مدل فرصت کار آفرینی

متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
ریسک سیاسی	-	-	-	-	-	-	-	-۴۲/۸۳ (۰/۰۰)
حقوق مالکیت	-	-	-	-	-	-	۰/۲۱ (۰/۰۰)	-
آزادی کسب و کار	-	-	-	-	-	۰/۲۹ (۰/۰۰)	-	-
آزادی مالی	-	-	-	-	-۰/۳۲ (۰/۰۰)	-	-	-
آزادی نیروی کار	-	-	-	۰/۱۵ (۰/۰۰)	-	-	-	-
سرمایه مالی	-	-	۰/۲۲ (۰/۰۰)	-	-	-	-	-
کیفیت آموزش	-	۳/۴۷ (۰/۰۰)	-	-	-	-	-	-
رشد اقتصادی	-۰/۱۴ (۰/۴۱)	-۰/۵۶ (۰/۰۰)	-۰/۵۱ (۰/۰۱)	-۰/۲۲ (۰/۰۲)	-۰/۱۳ (۰/۱۹)	-۰/۱۴ (۰/۱۹)	-۰/۱۴ (۰/۴۱)	-۰/۰۷ (۰/۶۵)
نرخ بیکاری	-۰/۹۱ (۰/۰۰)	-۰/۹۰ (۰/۰۰)	-۱/۰۸ (۰/۰۰)	-۱/۰۴ (۰/۰۰)	-۱/۰۵ (۰/۰۰)	-۱/۰۲ (۰/۰۰)	-۰/۹۱ (۰/۰۰)	-۰/۷۹ (۰/۰۰)
نرخ رشد جمعیت	۰/۸۶ (۰/۴۲)	۳/۱۳ (۰/۰۰)	۱/۰۷ (۰/۲۱)	-۰/۰۹ (۰/۹۳)	۰/۲۹ (۰/۷۷)	۰/۷۵ (۰/۴۹)	۰/۸۶ (۰/۴۲)	۱/۶۴ (۰/۱۲)
عرض از مبدا	۴۳/۱ (۰/۰۰)	۴۰/۳۷ (۰/۰۰)	۴۴/۳۶ (۰/۰۰)	۴۷/۶۶ (۰/۰۰)	۷۸/۹۰ (۰/۰۰)	۳۳/۹۸ (۰/۰۰)	۴۳/۱ (۰/۰۰)	۲۳/۹۸ (۰/۰۰)
R <sup>2</sup>	۰/۲۳	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۱۹	۰/۳۶	۰/۲۳	۰/۲۵
آزمون بریوش پاکان F-statistic P-) (value	۱۴۷/۰۳ (۰/۰۰)	۱۱۴/۹۷ (۰/۰۰)	۱۱۶/۳۴ (۰/۰۰)	۱۳۹/۸۷ (۰/۰۰)	۱۰۴/۸۹ (۰/۰۰)	۹۵/۵۳ (۰/۰۰)	۷۶/۲۸ (۰/۰۰)	۶۰/۸۱ (۰/۰۰)

مأخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار Eviews 9.5

جدول ۳: نتایج برآورد تصریح‌های مختلف مدل ضرورت کار آفرینی

متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸
ریسک سیاسی	-	-	-	-	-	-	-	۳۳/۶ (۰/۰۰)
حقوق مالکیت	-	-	-	-	-	-	-۰/۱۹ (۰/۰۰)	-
آزادی کسب و کار	-	-	-	-	-	-۰/۳۵ (۰/۰۰)	-	-
آزادی مالی	-	-	-	-	۰/۳۴ (۰/۰۰)	-	-	-

-	-	-	-	-۰/۱۱ (۰/۰۱)	-	-	-	آزادی نیروی کار
-	-	-	-	-	-۰/۲۳ (۰/۰۰)	-	-	سرمایه مالی
-	-	-	-	-	-	-۱/۸۶ (۰/۰۶)	-	کیفیت آموزش
۰/۲۱ (۰/۳۴)	۰/۲۷ (۰/۱۴)	۰/۲۵ (۰/۲)	۰/۲۵ (۰/۱۴)	۰/۴۰ (۰/۰۱)	۰/۲۷ (۰/۰۸)	۰/۳۷ (۰/۰۴)	۰/۴۱ (۰/۰۱)	رشد اقتصادی
۰/۳۱ (۰/۰۵)	۰/۵۲ (۰/۰۰)	۰/۵۹ (۰/۰۰)	۰/۶۴ (۰/۰۰)	۰/۶۵ (۰/۰۰)	۰/۶۷ (۰/۰۰)	۰/۶۴ (۰/۰۰)	۰/۷۳ (۰/۰۰)	نرخ بیکاری
-۲/۶ (۰/۰۰)	-۳/۱۱ (۰/۰۰)	-۳/۲۹ (۰/۰۰)	-۲/۶۰ (۰/۰۰)	-۲/۱۸ (۰/۰۰)	-۲/۱۳ (۰/۰۰)	-۲/۰۳ (۰/۰۰)	-۲/۰۴ (۰/۰۰)	نرخ رشد جمعیت
۴۵/۳ (۰/۰۰)	۳۱/۳ (۰/۰۰)	۴۶/۴۳ (۰/۰۰)	-۵/۵۲ (۰/۱۰)	۲۵/۱۸ (۰/۰۰)	۳۱/۴۲ (۰/۰۰)	۲۶/۴ (۰/۰۰)	۱۷/۱۵ (۰/۰۰)	عرض از مبدا
-۰/۱۳	-۰/۱۷	-۰/۱۷	-۰/۱۳	-۰/۰۹	-۰/۱۳	-۰/۱۰	-۰/۰۹	R <sup>2</sup>
۳۲/۱۷ (۰/۰۰)	۳۲/۰۴ (۰/۰۰)	۳۷/۲۵ (۰/۰۰)	۵۵/۹۱ (۰/۰۰)	۶۱/۰۸ (۰/۰۰)	۵۰/۵۳ (۰/۰۰)	۵۶/۳۷ (۰/۰۰)	۷۴/۵۰ (۰/۰۰)	آزمون بروش پاگان F- statistic P- (value)

مأخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار Eviews 9.5

نتایج آزمون بروش پاگان و همچنین نتایج برآورد مدل‌های تحقیق در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است. نتایج آزمون بروش پاگان برای هر ۱۶ مدل برآورد شده، نشان دهنده ساختار پانل اثرات تصادفی بوده است، لذا نتایج ارائه شده در جداول ۳ و ۴ با استفاده از روش اثرات تصادفی بدست آمده است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- ریسک سیاسی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است. یعنی موجب شده است آن درصد از فعالیت‌های کارآفرینی که عاملان آن بر پایه شناسایی فرصت‌ها و بکارگیری نوآوری و به قصد کسب سود اقدام به آن فعالیت کرده‌اند، کاهش یابد. در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است. یعنی موجب شده است آن درصد از افرادی که به ناچار و به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر، به شروع کسب و کاری تنها به منظور کسب درآمد و تأمین حداقل استانداردهای زندگی روی می‌آورند، در نتیجه افزایش ریسک سیاسی، افزایش یابد.

در واقع افزایش ریسک سیاسی به دلیل تأثیرات منفی آن بر پیش‌بینی پذیر بودن محیط سیاسی و فضای کسب و کار موجب گسترش نااطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود و به تبع آن فعالیت‌های کارآفرینانه نیز تحت این اثرات منفی قرار می‌گیرند. همچنین با افزایش ریسک سیاسی و بی‌ثباتی فضای اقتصادی، فرصت‌های کسب سود به سمت فعالیت‌های غیرمولد همچون سفته‌بازی در بازارهای پرتلاطم سوق پیدا کرده و لذا تخصیص منابع از فعالیت‌های کارآفرینانه به سمت فعالیت‌های غیرمولد منتقل می‌شود. همچنین، به دلیل عمل نکردن دولت بی‌ثبات به تعهدات سیاستی خود، عملکرد بازارهای مالی دچار اختلال می‌گردد و تامین مالی فعالیت‌های کارآفرینانه مختل می‌گردد. در نتیجه، ریسک سیاسی بالا از طریق کاهش ظرفیت و توان حفظ امنیت سرمایه‌گذاران منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه می‌گردد. لذا ریسک سیاسی تأثیری منفی بر فرصت کارآفرینی دارد. اما در عین حال، با بالا رفتن ریسک سیاسی و کاهش فرصت‌های کارآفرینی و اشتغال، به دلیل نیاز ضروری افراد برای کسب درآمد و تأمین حداقل استانداردهای زندگی، شروع کسب و کارهایی از سر ناچاری گسترش می‌یابد. لذا ریسک سیاسی تأثیری مثبت بر ضرورت کارآفرینی داشته است.

۲- حقوق مالکیت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که تأثیر آن بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی‌دار بوده است. به عبارت دیگر، تضمین بالای حقوق مالکیت در جوامع موجب افزایش انگیزه برای انجام فعالیت‌های نوآورانه و کارآفرین می‌شود زیرا حقوق مالکیت از جمله حق مالکیت اختراع یکی از مهم‌ترین ابزارهای لازم برای حمایت از حقوق نخبگان جامعه است که از طریق ثبت اختراع خود و تثبیت مالکیت آن زمینه تجاری‌سازی و درآمدزایی آن را برای خود فراهم کنند. بنابراین در چنین فضایی که حق مالکیت محترم شمرده می‌شود، فرصت‌های کارآفرینی نیز رشد بالایی خواهند داشت (هارپر<sup>۲۰۱۳۷۹</sup>). در مقابل در جامعه‌ای که حق مالکیت در سطح بالایی وجود دارد ضرورت کارآفرینی نیز کمتر احساس می‌شود زیرا فضای شغلی موجود به دلیل ایجاد فرصت‌های بالای کارآفرینی و به تبع آن اشتغال مولد، ضرورت اینکه افراد برای رهایی از وضع خود به دنبال ایجاد کسب و کار دیگری از سر ناچاری باشند را کاهش می‌دهد.

---

<sup>79</sup> Harper

۳- آزادی کسب و کار تاثیر مثبت و معنی داری بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که اثر این متغیر بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی دار بوده است. آزادی بیشتر کسب و کار و رفع محدودیت‌های پیش روی کسب و کار موجب آزادی عمل بیشتر کارآفرینان شده و لذا در تقویت فرصت‌های کارآفرینی تاثیری مثبت برجای می‌گذارد (نیستروم<sup>۸۰</sup> ۲۰۰۸). در مقابل آزادی‌های کمتر کسب و کار یا محدودیت‌های بیشتر پیش روی کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ضرورت کارآفرینی به معنی شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر است را بیشتر می‌کند.

۴- آزادی مالی تاثیری منفی و معنی دار بر فرصت کارآفرینی داشته است. اما تاثیر این متغیر بر ضرورت کارآفرینی مثبت و معنی دار بوده است. از آنجایی که در بازه تحقیق یعنی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۵ یکی از بزرگترین بحران‌های مالی دهه‌های اخیر در ایالات متحده آمریکا و به تبع آن سایر کشورهای دنیا رخ داده است که عده‌ای از اقتصاددانان یکی از دلایل آن را ناشی از آزادی‌های بیش از حد مالی و نوآوری‌های جدید مالی می‌دانند که منجر به بحران بزرگ رکود و بیکاری در این کشورها شد، لذا تاثیر این آزادی‌های مالی نیز بر فرصت کارآفرینی منفی شده است. در حالی که برای رهایی از چنین بحران‌هایی عامل کارآفرینی می‌تواند نقشی مهم ایفا نماید لذا تاثیر آزادی‌های مالی بر ضرورت کارآفرینی مثبت شده است (فونتالساز و همکاران ۲۰۱۵).

۵- آزادی نیروی کار تاثیری مثبت و معنی دار بر کارآفرینی داشته است اما تاثیر آن بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی دار بوده است. هرچقدر امکان انتقال و جابجایی نیروی کار و استخدام و اخراج کارگران راحت‌تر باشد و ساعات کاری نیز از انعطاف لازم برخوردار باشد، امکان جایگزینی سرمایه و تکنولوژی‌های جدید در فرآیند تولید بجای نیروی کار افزایش یافته و لذا انگیزه کارآفرینی افزایش می‌یابد و در نتیجه فرصت کارآفرینی نیز بیشتر می‌شود (نیستروم ۲۰۰۸). اما در مقابل، با محدودیت‌های بیشتر بر نیروی کار و قوانین سختگیرانه انگیزه کارفرماها برای کار کمتر شده و لذا بیکاری نیروی کار بیشتر می‌شود و در نتیجه ضرورت کارآفرینی برای شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر بیشتر می‌شود. به همین دلیل برای آزادی نیروی کار تاثیری منفی و معنی دار بر ضرورت کارآفرینی دارد.

<sup>80</sup> Nyström

۶- سرمایه مالی تأثیری مثبت و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی دارد در حالی که تأثیر آن بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی‌دار شده است. افزایش سرمایه مالی موجب می‌شود تا کارآفرینان بتوانند برای پروژه‌های نوآورانه خود راحت‌تر جذب سرمایه داشته باشند و لذا این عامل موجب تقویت فرصت کارآفرینی می‌شود (برگ و همکاران<sup>۸۱</sup> ۲۰۱۴). در مقابل، افزایش سرمایه مالی به دلیل ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و تقویت کارآفرینی نیاز و ضرورت به کارآفرینی را کاهش می‌دهد. لذا تأثیر آن بر ضرورت کارآفرینی منفی شده است.

۷- کیفیت آموزش نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که تأثیر آن بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی‌دار بوده است. بالا بودن کیفیت آموزش می‌تواند منجر به پرورش بهتر استعدادها و جوامع شود و در پرورش ایده‌های کارآفرینان و نوآوران نقشی موثر داشته باشد. یک سیستم آموزشی پیشرفته از طریق ایجاد اعتماد به نفس، خلاقیت، مشارکت و آموختن نحوه اندیشیدن و حل مسائل گوناگون در کودکان موجبات پرورش استعدادها و آن‌ها را در آینده فراهم می‌کند و از میان همین کودکان کارآفرینان بزرگ ظهور می‌کنند. لذا تأثیر کیفیت آموزش بر فرصت کارآفرینی مثبت بوده است. در مقابل، در یک جامعه‌ی پویا و دارای آموزش با کیفیت به دلیل شکوفایی استعدادها و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب ضرورت کارآفرینی به معنی شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر، نیز کمتر احساس می‌شود اما در جوامع در حال توسعه به دلیل پایین بودن کیفیت آموزش نسبت به کشورهای توسعه یافته، ضرورت کارآفرینی در این جوامع بیشتر احساس می‌شود. به همین علت تأثیر کیفیت آموزش بر ضرورت کارآفرینی منفی شده است.

۸- تأثیر رشد اقتصادی بر فرصت کارآفرینی عمدتاً منفی یا بی‌معنی شده است در حالی که تأثیر آن بر ضرورت کارآفرینی عمدتاً مثبت یا بی‌معنی شده است. دلیل این امر نیز آن است که با افزایش رشد اقتصادی و استفاده بیشتر و بیشتر از ظرفیت‌های اقتصادی فرصت‌های کمتری برای کارآفرینی باقی می‌ماند و لذا تأثیر رشد اقتصادی بر فرصت کارآفرینی منفی شده است. این پدیده را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که در کشورهای توسعه یافته به دلیل استفاده زیاد از ظرفیت‌های اقتصادی، در عین حالی که فرصت‌های زیادی در این جوامع برای کارآفرینی ایجاد می‌شود اما نرخ

<sup>81</sup> Berge, et, al.



رشد‌های اقتصادی این کشورها پایین است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه و نوظهور هم‌چون چین و هند به دلیل ظرفیت‌های بالای این کشورها رشد‌های اقتصادی بالایی شاهد هستیم اما فرصت‌های کارآفرینی به مراتب کمتری در این جوامع ایجاد می‌شود. لذا در این جوامع که رشدهای بالایی دارند، برای تداوم رشدهای بالا ضرورت کارآفرینی بیشتر احساس می‌شود.

۹- نرخ بیکاری تأثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی و تأثیری مثبت و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است. بالابودن نرخ بیکاری و تداوم آن موجب گسترش ناامیدی در بین جوانان بیکار بخصوص جوانان تحصیل کرده و غیرفعال شدن آنها می‌شود. در این میان، بیکاری بالا موجب گسترش پدیده مهاجرت جوانان بخصوص نخبگان و کارآفرینان بالقوه جامعه می‌شود و لذا فرصت‌های کارآفرینی را کاهش می‌دهد (لاچ و همکاران<sup>۸۲</sup>، ۲۰۰۷). در مقابل، در جوامعی که بیکاری بالا وجود دارد ضرورت کارآفرینی بیش از هر عامل دیگری احساس می‌شود زیرا افراد برای رهایی از بیکاری به دنبال ایجاد کسب و کاری از سر ناچاری بوده و لذا در چنین جوامعی کارآفرینی ضرورتی انکارناپذیر برای خلق فرصت‌های شغلی و درآمدی مناسب است و لذا تأثیر بیکاری بر ضرورت کارآفرینی مثبت است.

۱۰- نرخ رشد جمعیت تأثیر مثبت اما بی‌معنی بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که این متغیر تأثیری منفی و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است. نرخ رشد جمعیت از یک‌سو می‌تواند به طور طبیعی منجر به ظهور نوابغ و کارآفرینان بزرگ و همچنین وجود بازار گسترده شود و از این منظر تأثیر مثبتی بر فرصت کارآفرینی داشته باشد اما از سوی دیگر در صورت افزایش بارتکفل، افزایش نرخ بیکاری و کاهش انگیزه نیروی کار می‌تواند تأثیراتی منفی بر فرصت کارآفرینی داشته باشد. از این رو برآیند تأثیرات مثبت و منفی آن منجر به بی‌معنی شدن تأثیر مثبت رشد جمعیت بر فرصت کارآفرینی شده است. اما اثر منفی افزایش جمعیت بر اثر مثبت آن نسبت به ضرورت کارآفرینی غالب شده است. زیرا به دلیل رشد جمعیت و پیدا نشدن شغل مناسب برای جمعیت وارد شده به بازار کار و طولانی شدن و تداوم بیکاری در بازار کار، بسیاری از بیکاران از جمعیت فعال خارج شده و تبدیل به جمعیت غیرفعال شده و در نتیجه نرخ مشارکت اقتصادی کاهش یافته است. در نتیجه با کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و خروج جمعیت فعال و تبدیل شدن آن به

<sup>82</sup> Lasch

جمعیت غیرفعال، نیاز کمتری به ضرورت کارآفرینی احساس می‌شود. بخصوص در کشورهایی که بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی زیاد است این افراد به این دلیل که حاضر نیستند از سرناچاری به هر فعالیتی دست بزنند لذا ضرورت کارآفرینی کاهش می‌یابد.

۱۱- ارقام آماره ضریب تعیین ( $R^2$ ) نیز نشان می‌دهند که در مدل فرصت کارآفرینی، به ترتیب مدل‌های ۶، ۲ و ۳ از قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری نسبت به سایر مدل‌ها برخوردار بوده‌اند که حاکی از قدرت تاثیرگذاری بیشتر متغیرهای آزادی کسب و کار، کیفیت آموزش و سرمایه مالی بر فرصت کارآفرینی دارد. همچنین، در مدل ضرورت کارآفرینی، مدل‌های ۶ و ۷ دارای قدرت توضیح‌دهندگی یکسانی هستند که توان توضیح‌دهندگی این مدل‌ها نسبت به سایر مدل‌های دیگر بیشتر بوده است که نشانگر اهمیت آزادی کسب و کار و حقوق مالکیت در توضیح تغییرات ضرورت کارآفرینی نسبت به سایر متغیرهای توضیحی است.

#### ۵- نتیجه‌گیری

به دلیل اهمیت کارآفرینی در فرآیند توسعه اقتصادی، این مقاله به بررسی عوامل اثرگذار بر کارآفرینی در ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۸ پرداخته است. از میان عوامل موثر بر کارآفرینی تاکید این مقاله بر متغیر توضیحی ریسک سیاسی و متغیرهای نهادی تاثیرگذار بر کارآفرینی بوده است. بدین منظور با استفاده از مطالعات دوهان و هنرکسون (۲۰۰۷) و فونتالساز و همکاران (۲۰۱۵) و بکارگیری روش پانل دینا، تصریح‌های مختلفی از مدل‌های با متغیرهای وابسته فرصت کارآفرینی و ضرورت کارآفرینی برآورد شده است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق نشان داده است که ریسک سیاسی تاثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که این متغیر تاثیری مثبت و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق همچنین نشان داده است که متغیرهای حقوق مالکیت، آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، سرمایه مالی و کیفیت آموزش تاثیری مثبت و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که تاثیر آن‌ها بر ضرورت کارآفرینی منفی و معنی‌دار بوده است. همچنین متغیرهای آزادی مالی، رشد اقتصادی و نرخ بیکاری تاثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته‌اند اما تاثیر آن‌ها بر ضرورت کارآفرینی مثبت و معنی‌دار

بوده است. در نهایت، نرخ رشد جمعیت تاثیر مثبت اما بی معنی بر فرصت کارآفرینی داشته است در حالی که این متغیر تاثیر منفی و معنی دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است.

### توصیه‌های سیاستی

- تنظیم سیاست‌های داخلی و خارجی در راستای کاهش ریسک سیاسی،
- اصلاح و تقویت قوانین مرتبط با حق مالکیت اختراع و حق تکثیر<sup>۸۳</sup>
- افزایش آزادی کسب و کار و آزادی نیروی کار
- ارتقای کارایی نظام مالی و بانکی کشور و تسهیل دسترسی به منابع مالی
- سرمایه‌گذاری در جهت افزایش کیفیت آموزش

## فهرست منابع:

- اربابیان، شیرین، زهرا زمانی و معصومه رحیمی (۱۳۹۳). بررسی اثر گردشگری در توسعه کارآفرینی. برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۳(۱۰): ۱۲۶-۱۴۶.
- آقامحمدی، جواد و حسین عبداللهی (۱۳۹۴). تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی، رهیافت، ۱۴: ۷۵-۸۸.
- پاداش، حمید، علی نیکونستی (۱۳۸۷). نقش نهادها در توسعه کارآفرینی. دوفصلنامه برنامه و بودجه، ۱۰۶: ۱۲۹-۱۵۴.
- چراتیان، ایمان و سعید قربانیا (۱۳۹۳). تحلیل آثار سیاست های پولی و مالی بر کارآفرینی. توسعه کارآفرینی، ۲۱: ۷۷۳-۷۹۳.
- دانایی فرد حسن، فروهی مهشید، صالحی علی (۱۳۸۶). ارتقا کارآفرینی در ایران؛ تحلیلی بر نقش دولت. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۱(۴۲): ۲۲۱-۲۶۲.
- علائی، سوسن (۱۳۹۰). نقش فرهنگ کارآفرینی در توسعه کارآفرینی. پژوهش های مدیریت راهبردی، ۴۸: ۱۰۹-۱۳۲.
- متوسلی، محمود و هدی زبیری (۱۳۹۴). پایه تئوریک نظریه پردازی‌ها در راستای ریشه‌یابی عملکرد ناموفق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران. تحقیقات اقتصادی، ۵۰(۳): ۷۳۳-۷۵۰.
- متوسلی، محمود، احمد محمود مشهدی، علی نیکو نسبتی و مصطفی سمیعی نصب. (۱۳۹۰). اقتصاد نهادی؛ پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند. تهران، دانشگاه امام صادق.
- Acs, Z. & D. Audretsch. (1988). Innovation in Large and Small Firms: An Empirical Analysis. *The American Economic Review*, 78(4): 678-690.
- ..... (2000). The New Institutional Economics and Third World Development. In Haris J., Hunter J. & Lewis C. (eds), *The New Institutional Economics and Third World Development*(PP.215-233). London : Routledge.
- ..... (2005). Development. *Journal of Economic Literature*. 43(1): 108-120.
- Acemoglu, Daron, Simon Johnson and James A. Robinson (2005), "Institutions as the Fundamental Cause of Long-run Growth", in Aghion, Philippe and Steven Durlauf (eds.), *Handbook of Economic Growth*, Amsterdam: North-Holland.

- Adams, S. (2009). Intellectual property rights, political risk and economic growth in developing countries. *Journal of Economics and International Finance*, 1(6): 127-134.
- Aisen , A. & F. J. Veiga. (2010). How does political instability affect economic growth?. Centre Emile Bernheim Working Paper, No.10/055.
- Aparicio, S., Urbano, D. & D. Audretsch. (2015). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. *Technological Forecasting & Social Change*, 102: 45-61.
- Baltagi, B. (2008). *Econometric analysis of panel data*. John Wiley & Sons.
- Baumol, W. (2002) *The free-market innovation machine: Analyzing the Growth Miracle of Capitalism*. Princeton: Princeton University Press.
- Baumol, William J. (1990). Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive. *Journal of Political Economy*, 98 (5): 893–921.
- Berge, L. I. O., K. Bjorvatn. & B. Tungodden.(2014). Human and financial capital for microenterprise development: Evidence from a field and lab experiment. *Management Science*, 61(4): 707-722.
- Boettke, P. J., & C. J. Coyne. (2003). Entrepreneurship and development: Cause or consequence? *Advances in Austrian Economics*, 6: 67-88.
- Bowen, H. P., & D. Clercq. (2008). Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort. *Journal of International Business Studies*, 39(4): 747-767.
- Busse, M. & C. Hefeker. (2007). Political risk, institutions and foreign direct investment. *European Journal of Political Economy*, 23(2): 397-415.
- Bylund, P. & M. McCaffrey.(2015). An Institutional Approach to Political Uncertainty in Entrepreneurial Decision Making. *Academy of Management Journal*, doi:10.5465/AMBPP.2015.12682abstract
- Chen, H., H. Liao., B. J. Tang & Y. M. Wei. (2016). Impacts of OPEC's political risk on the international crude oil prices: An empirical analysis based on the SVAR models. *Energy Economics*, 57: 42-49.
- Coase, R. H. (1992). The Institutional Structure of Production. *American Economic Review*, 82(4): 713-720.

- Douhan, R. & M. Henrekson. (2007). The Political Economy of Entrepreneurship: An Introduction. Research Institute of Industrial Economics Working Paper, No. 716.
- Dutta, N., R. S. Sobel. & S. Roy. (2013). Entrepreneurship and political risk. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 2(2): 130 – 143.
- Duyvesteyn, J., M. Martens & P. Verwijmeren. (2016). Political risk and expected government bond returns. *Journal of Empirical Finance*.
- Elbahnasawy, N. G., M. A. Ellis & A. D. Adom.(2016). Political Instability and the Informal Economy. *World Development*, 85: 31-42.
- Fosu, A. K. (2003). Political Instability and Export Performance in Sub-Saharan Africa. *The Journal of Development Studies*, 39(4): 68-83.
- Fuentelsaz, L., C. González, J. P. Maícas & J. Montero. (2015). How different formal institutions affect opportunity and necessity entrepreneurship. *BRQ Business Research Quarterly*, 18(4): 246-258.
- Gardner, H. (2005). *Multiple Lenz on the Mind*. Harvard Graduate School of Education. Cambridge, MA 02138.
- Grechyna, D. (2016). Political frictions and public policy outcomes. *Journal of Comparative Economics*.
- Guerrero, M. A, S. P. Moreno & I. M. Guerrero. (2017). How economic freedom affects opportunity and necessity entrepreneurship in the OECD countries?. *Journal of Business Research*, 73(17): 30-37.
- Hall, J. C., & R. S. Sobel. (2006). Public policy and entrepreneurship. Center for Applied Economics Technical Report, 06-0717.
- Harper, D. A. (2013). Property rights, entrepreneurship and coordination. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 88: 62-77.
- Heikki, L. & K. Heimonen. (2015). Democracy, political risks and stock market performance. *Journal of International Money and Finance*, 59: 77-99.
- Jaouadi, S., L. Arfaoui & A. Ziedi. (2014). Political Instability and Growth: Case of the Developing Countries. *International Journal of Social Science*, 2 (1): 19 - 28
- Jong-A-Pin, R. (2009). On the measurement of political instability and its impact on economic growth. *European Journal of Political Economy*, 25(1): 15–29.
- Lasch, F., K.Gundolf & S. Kraus. (2007). The impact of unemployment on entrepreneurship: empirical evidence from France. *International Journal of Business Research*, 7(2): 1-8.

- Le, Q. & P. J. Zak. (2001). Political Risk and Capital Flight. Claremont Colleges Working Papers, No. 10.
- Letaifa, S. B. & C. G. Primard. (2016). How does institutional context shape entrepreneurship conceptualizations?. *Journal of Business Research*, 69(11): 1528-5134.
- Levie, J. & E. Autio. (2011). Regulatory burden, rule of law, and entry of strategic entrepreneurs: An international panel study. *Journal of Management Studies*, 48(6): 1392-1419.
- Majbouri, M. (2016). Oil and entrepreneurship. *Energy Policy*, 94, 10-15.
- Mihaela, A & P. A. Teofil. (2011). Political Risk and Foreign Investment. *Economic Sciences Series*, XI (1): 73-78.
- North, D. C. (2005). *Understanding the Process of Economic Change*. Princeton University Press.
- North, D. C., J.W. Joseph & R. Barry. (2009). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*. Cambridge University Press.
- Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data. *Public Choice*, 136(3-4): 269-282.
- Rodrik, D. (1999). Where Did All Growth Go; External Shocks, Social Conflicts and Growth Collapses. *Journal of Economic Growth*, 4(4): 385-412.
- Schumpeter, J. A. (1934) *The theory of economic development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Sobel, R. S. (2008). Testing Baumol: Institutional quality and the productivity of entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 23(6): 641-655.
- Stigler, George J. (1971). The Theory of Economic Regulation. *Bell Journal of Economics and Management Science*, 2(1): 3-21.
- Thornton, P., D. Ribeiro-Soriano & D. Urbano. (2011). Socio-cultural factors and entrepreneurial activity: An overview. *International Small Business Journal*, 29(2): 105-118.
- Torres-Reyna, O. (2010). *Panel Data Analysis Fixed & Random Effects*. Princeton University.
- Urbano, D. & C. Alvarez. (2014). Institutional dimensions and entrepreneurial activity: an international study. *Small Business Economics*, 42 (4): 703-716.

---

Veiaga, F. & A. Aisen. (2006). Does Political Instability Lead to Higher Inflation? A Panel Data Analysis. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 38 (5), Available at SSRN:<http://ssrn.com/abstract=932587>

Vortelinos, D. & S. Saha. (2016). The impact of political risk on return, volatility and discontinuity: Evidence from the international stock and foreign exchange markets. *Finance Research Letters*, 17: 222-226.

Williamson, O. E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic literature*, 38(2): 595-613.



## پیوست:

جدول ۲: تحلیل ضریب همبستگی بین متغیرهای مدل

Probability	Correlation											
	GPO	BUSF	EN1	EN2	FINC	FISF	GRO	LABF	POLIR	PROPE	QUE	UNE
GPOP	1.000											
BUSF	0.189	1.000										
EN1	0.122	0.387	1.000									
EN2	0.096	0.482	0.564	1.000								
FINCAP	0.010	0.666	0.325	0.436	1.000							
FISF	0.068	0.525	0.355	0.459	0.499	1.000						
GROWTH	0.355	0.317	0.075	0.153	0.259	0.322	1.000					
LABF	0.045	0.296	0.194	0.260	0.335	0.094	0.0174	1.000				
POLIRISK	0.223	0.757	0.527	0.560	0.687	0.649	0.3428	0.288	1.000			

	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000
	4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
PROPE	0.129	0.758	0.476	0.561	0.740	0.569	0.2530	0.402	0.8984	1.00000			
RTY	058	681	952	394	990	405	71	094	56	0			
	0.041	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000			
	9	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0001	0	0.0000
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
QUEDU	0.349	0.601	0.371	0.374	0.449	0.505	0.2696	0.213	0.7315	0.60699	1.000		
	537	210	512	665	162	780	20	816	08	3	000		
	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000		
	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0.0000	7	0.0000
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
UNEM	0.255	0.012	0.383	0.242	0.043	0.052	0.3075	0.168	0.1058	0.08325	0.176	1.000	
	611	256	249	343	762	577	79	478	35	6	552	000	
	0.000	0.847	0.000	0.000	0.491	0.408	0.007	0.007	0.007	0.007	0.005	0.005	
	0	4	0	1	8	8	0.0000	7	0.0956	0.1904	2	0.0000	0.0000

مأخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار 9 Eviews